



درس یازدهم



نفس خردمندان

چهل سال از حمله‌ی خانان سوز مغولان به ایران گذشته بود. هنوز سایه‌ی وحشت و خاطره‌ی هراس انگیز قتل عام مردم این سرزمین از سوی چنگیز و فرزندانش از ذهن مردم ایران، پاک نشده بود. در این هنگام، آشوب دیگری برخاست. هلاکو، خان مغول، برای نابود کردن مخالفان خود، به ایران حمله کرد. بار دیگر نگرانی و اندوه، قلب مردم را در هم فشرد.

خواجہ نصیر الدین توسی، ریاضی دان، نویسنده و ستاره شناس بزرگ ایرانی،
با خود اندیشید که «چه می توان کرد؟»

آن گاه با خود گفت: «جامعه، برای حفظ خود، به سه چیز نیازمند است:
شمشیر، قلم و دینار. شمشیر و دینار در دست دشمن است و قلم که از همه کارسازتر

است، در دست ما. اگر بتوان قلم را به قدرت رساند، شمشیر و دینار را هم می‌توان از دشمن گرفت.»

خواجه با همین نقشه، **تصمیم گرفت** به **درون حکومت مغول** ها راه پیدا کند و اندیشه و رفتار آنها را **تغییر دهد**.

هلاکو هم که خود را نیازمند **هوش و دانایی** خواجه نصیر می‌دانست، او را گرامی داشت و مشاور خود کرد. خواجه، کارش را با حرکتی زیرکانه **آغاز** کرد. او می‌خواست **یک مرکز علمی** ایجاد کند اما برای این کار دشوار، **تصمیم** عجیبی گرفت.

تشتی فراهم آورد و دو تن را مأمور کرد تا آن را شبانگاه از بالای قلعه به پایین اندازند. او قبلاً زمان انداختنِ تشت را به خان مغول، اطلاع داده بود. وقتی تشت با صدای مهیب، فرو افتاد، مردم وحشت زده از خواب برخاستند. همه می‌گریختند و گمان می‌کردند، حادثه‌ی ناگواری پیش آمده است.

خواجه به هلاکو گفت: «ای خان بزرگ، تو چرا فرار نمی‌کنی؟ تو چرا نمی‌ترسی؟»

هلاکو گفت: «چون از پیش می‌دانستم.»

خواجه، لبخندی زد و گفت: «پس اگر بتوانیم حوادث را پیش‌بینی کنیم، هرگز به وحشت

نی‌افتیم و چاره‌ای می‌اندیشیم.»

با همین حرکت زیرکانه، خواجه توانست کلیه امکانات حکومت هلاکو را برای جذب دانشمندان و ساختن رصدخانه‌ی بزرگ مراغه به کار گیرد.

خواجه نصیرتوسی، ریاضی‌دانان و ستاره‌شناسان را از سرزمین‌های اسلامی دعوت کرد. او در کنار رصدخانه، کتاب‌خانه‌ای نیز ایجاد کرد که شمار کتاب‌های آن را تا چهارصد هزار جلد نوشته‌اند.

بزرگ‌ترین خدمت او این بود که در دوره‌ی هلاکو و هنگام چیرگی مغول، به تربیت دانشمندان و نگهداری کتاب‌ها و آثار علی توجه کرد. در آن هنگام که مغولان کتاب‌ها را آتش می‌زدند یا در آب می‌انداختند، او به نسخه برداری و جمع آوری کتاب‌ها مشغول شد و اگر تلاش و همت او نبود، بیشتر آن آثار ارزشمند از میان می‌رفت.

حدود دویست سال پیش از خواجه نصیر، مردی بزرگ از ولایت او، به نام خواجه نظام الملک توسی، نیز با تدبیر و توانایی علمی خود کارهای بزرگی انجام داد. او در دوازده شهر مهم آن روز، مدارس شبانه روزی تأسیس کرد که مانند دانشگاه‌های امروز، اداره می‌شدند. این مدارس به «نظامیه» معروف بودند. سعدی یکی از صدها دانشمندی است که در این مدارس، تحصیل کرده است.

خواجه نظام الملک، در شهر ری، رصدخانه‌ای ساخت که بسیاری از دانشمندان در آنجا به تحقیق مشغول شدند.

در آسمان علم و فرهنگ ایران، ستاره‌های پرفروغ فراوانی مانند خواجه نظام الملک و خواجه نصیر توسی می‌توان یافت. این دانشمندان، با تکیه بر لطف پروردگار، در سخت‌ترین شرایط کوشیدند، ایران را به اوج عظمت و سر بلندی برسانند.